

حَدَّثَنَا
الْحَمِيمُ بْنُ الرَّسَّامِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی
گروه ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

تحلیل بن‌مایه‌های کنوسی در مصیبت‌نامه عطار

استاد راهنما:
دکتر فرانک جهانگرد

استاد مشاور:
دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق

پژوهشگر:
محدثه ابراهیم‌زاده
شهریور ماه ۱۳۹۸

برگه ارزیابی پایان نامه

سپاسگزاری

از استاد ارجمندم، سرکار خانم دکتر **فرانک جهانگرد** برای راهنمایی‌های دلسوزانه‌شان و تمام لحظاتی که شوق پژوهش و جویندگی را در وجودم زنده نگه داشتند و مسبب آغاز و ادامه‌ی این راه هستند، کمال تشکر را دارم.

همچنین از آقای دکتر **ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق** که علاوه بر راهنمایی‌های سودمندشان، در تمام مراحل کار از پژوهش‌ها و تالیفات ارزشمندشان استفاده کردم، بسیار سپاسگزارم.

از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و به ویژه پژوهشکده ادبیات فارسی نیز به خاطر فراهم کردن امکان تحصیل و همراهی‌شان ممنونم.

چکیده

گنوس در لفظ به معنای شناخت است و به کیش‌هایی که رهایی از دنیا را در گرو رسیدن به شناخت می‌دانند، گنوسی گفته می‌شود. این کیش‌ها در اساس معتقد به ثنویت هستند. در باور ایشان دو خدا در هستی وجود دارد که یکی برتر و متعالی است و دیگری در مقام پایین‌تر قرار دارد. انسان ودیعه‌ای از جانب خدای متعالی در وجودش دارد که باید به شناخت آن نائل شود. از بن‌مایه‌های مهمی که در متون گنوسی آمده است؛ غربت انسان در این جهان، ارزش روح و خوارداشت جسم، سرگستگی و غفلت انسان، خوارداشت جهان مادی، خوارداشت عقل و رسیدن به شناخت یا گنوس است. میان موارد مذکور و مسائلی که عرفای اسلامی مطرح کرده‌اند، در برخی موارد شباهت‌هایی وجود دارد. برای بررسی با جزئیات وجوه شباهت میان بن‌مایه‌های متون گنوسی و عرفان اسلامی، مصیبت‌نامه عطار انتخاب شد. سالک فکرت مانند سالکان گنوسی، نخست با احساس غربت در دنیا و متعلق نبودن به آن سفرش را آغاز می‌کند و به وسیله‌ی وحی، ترک خود، راهنمایی پیری که واسطه‌ی فیض نیز است به شناخت می‌رسد و بدین ترتیب از سرگستگی رهایی می‌یابد و در مسیر شناخت اصلش قرار می‌گیرد. سالک فکرت در مقاله‌ی آخر و مواجهه با روح، به درک ارزش جان نائل می‌شود. مشابه سالکان گنوسی که اصلاً برای رسیدن به گنوس یا شناخت، مراحل سلوک را طی می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: گنوسیس، ادبیات گنوسی، مصیبت‌نامه عطار، شناخت

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: طرح تحقیق	۲
۱-۱- موضوع پژوهش.....	۳
۲-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۶
۳-۱- اهداف پژوهش.....	۶
۴-۱- قلمروی پژوهش.....	۶
۵-۱- فرضیه‌های پژوهش.....	۷
۶-۱- پیشینه پژوهش.....	۷
۷-۱- روش انجام پژوهش و دلیل انتخاب این روش.....	۱۱
۸-۱- فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....	۱۱
فصل دوم: تعاریف و کلیات تحقیق	۱۲
۱-۲- عطار.....	۱۳
۱-۱-۲- زمانه‌ی عطار.....	۱۴
۲-۱-۲- آثار عطار.....	۱۶
۳-۱-۲- مصیبت‌نامه عطار.....	۱۷
۲-۲- سفرهای خیالی.....	۲۱
۱-۲-۲- مصیبت‌نامه‌ی عطار و سفرِ سالکِ فکرت.....	۲۵
۲-۲-۲- ساختار مصیبت‌نامه بر اساس الگوی سفر قهرمان کمبل.....	۲۸
۳-۲- بن‌مایه‌های گنوسی.....	۳۴
فصل سوم: مکاتب و ادبیات گنوسی	۳۷
۱-۳- آئین گنوسی.....	۳۸
۱-۱-۳- تاریخچه.....	۳۹
۲-۳- اسطوره‌های آفرینش گنوسی.....	۴۲

۴۵	۳-۳- اصول و عقاید گنوسی.....
۴۵	۳-۳-۱- خدانشناسی.....
۴۶	۳-۳-۲- جهان‌شناسی.....
۴۸	۳-۳-۳- انسان‌شناسی.....
۵۱	۳-۴- کیش‌های گنوسی.....
۵۱	۳-۴-۱- کیش شمعون مغ یا شمعون سامری.....
۵۲	۳-۴-۲- کیش والنن.....
۵۲	۳-۴-۳- کیش مرقیون.....
۵۳	۳-۴-۴- کیش بازیلید.....
۵۳	۳-۴-۵- کیش مانی.....
۵۵	۳-۴-۶- کیش مندائی.....
۵۶	۳-۵- ادبیات گنوسی.....
۵۸	فصل چهارم: بن‌مایه‌های گنوسی در مصیبت‌نامه عطار.....
۶۰	۴-۱- غربت انسان در جهان.....
۶۷	۴-۲- روح و جسم.....
۶۷	۴-۲-۱- جسم.....
۷۲	۴-۲-۲- روح.....
۷۵	۴-۲-۳- تمثیلات روح.....
۷۵	۴-۲-۳-۱- نور و ظلمت.....
۷۹	۴-۲-۳-۲- پرنده.....
۸۱	۴-۲-۳-۳- گنج و متعلقات آن.....
۸۵	۴-۳- سرگشتگی و غفلت.....
۸۸	۴-۳-۱- رهایی از غفلت.....
۸۸	۴-۳-۱-۱- وحی.....
۸۹	۴-۳-۱-۲- پیر و راهنما.....
۹۱	۴-۳-۱-۳- ترک خود.....

۹۵.....	۴-۳-۱-۴- شناخت خود.....
۹۷.....	۴-۴- خوارداشت جهان مادی.....
۱۰۰.....	۴-۴-۱- نسبت دادن دنیا به ابلیس.....
۱۰۲.....	۴-۴-۲- دنیا بسان مردار.....
۱۰۴.....	۴-۴-۳- ستایش فقر.....
۱۰۷.....	۴-۴-۴- ریاضت.....
۱۰۸.....	۴-۵- خوارداشت عقل.....
۱۱۱.....	۴-۶- رسیدن به شناخت.....
۱۲۳.....	فصل پنجم: نتیجه گیری.....
۱۳۲.....	منابع.....

پیشگفتار

بخش عظیمی از متون کلاسیک ما را متون عرفانی تشکیل می‌دهند که به دلیل موضوعشان، بیشتر از سایر متون قابل تفسیر و تجدید نظر هستند. مکاتب عرفانی و کیش‌های مختلف از هم تاثیر پذیرفته‌اند و به دلایلی چون یکی بودن مخاطب، هدف و دیدگاهشان، وجوه تشابه بسیاری باهم دارند. با نظر به همین موضوع، این پرسش به وجود آمد که عرفان اسلامی در چه مواردی با کیش‌های گنوسی هم‌داستان است و این تشابهات به چه طریقی در متون عرفانی نمود پیدا کرده‌اند. برای رسیدن به پاسخ، با عنایت به پژوهش‌های انجام شده توسط دیگر پژوهشگران، متن مصیبت‌نامه‌ی عطار که آخرین منظومه‌ی وی است و نشان‌دهنده‌ی پایان سلوک عارف، انتخاب شد تا وجوه شباهت و چگونگی تجلی این موارد در مصیبت‌نامه، به عنوان یک متن عرفانی، بررسی شود.

پس از فصل اول که در آن به بیان مسئله‌ی پژوهش، پرسش‌ها و فرضیه‌ها و پیشینه پرداخته شده است، در فصل دوم توضیح عطار و زمانه‌ی او آورده شده تا نشان داده شود که کتاب مورد نظر در چه بستری تالیف شده و شاعر تا چه حد امکان اطلاع و شاید گفت‌وگو با دیگر آئین‌ها و عقاید ایشان را داشته است. به دلیل اینکه مصیبت‌نامه‌ی عطار یک سفرنامه‌ی عرفانی محسوب می‌شود و در عقاید گنوسی‌ها نیز، انسان در این دنیا چون مسافری است که باید در پی رسیدن به هدفش باشد، متن مذکور بر اساس الگوی سفر قهرمان تشریح شد تا بدین وسیله هم نظم بیشتری به کار داده شود، هم اجزاء مختلف این سفر که در هر دو مورد یاد شده یکسان بودند، بهتر بررسی شود.

فصل سوم به توضیح آئین و ادبیات گنوسی پرداخته است. در این فصل نخست به معنای واژه‌ی گنوس و محدوده زمانی شکل‌گیری کیش‌های گنوسی پرداخته شده و پس از آن هم درباره‌ی اسطوره‌های آفرینش ایشان، اعتقاداتشان در باب خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی، کیش‌های گنوسی از شمعون مغ تا کیش مندائی، بحث شده است. در پایان هم ادبیات و متون گنوسی که در این تحقیق برای استخراج بن‌مایه‌ها به آنها ارجاع داده شده، معرفی شده است.

فصل چهارم توضیح و تفسیر بن‌مایه‌های گنوسی در مصیبت‌نامه‌ی عطار مطابق الگوی سفر است که پیش‌تر از آن سخن رفت. در این فصل مهم‌ترین بن‌مایه‌های گنوسی، یعنی غربت انسان در جهان، ارزش روح و خوارداشت جسم، سرگستگی و غفلت، خوارداشت جهان مادی، خوارداشت عقل و رسیدن به شناخت بررسی شده‌اند. ذیل هر کدام از موارد بالا، نمونه‌هایی از مصیبت‌نامه و متون گنوسی آمده و مطابقت داده شده است.

در فصل آخر نیز تحلیل نهایی از موارد مطرح شده و ارائه‌ی نتیجه‌گیری تحقیق، آورده شده است.

فصل اول: طرح تحقيق

۱-۱- موضوع پژوهش

گنوس واژه‌ای یونانی به معنی دانش و معرفت است و در اصطلاح به مجموعه فرقه‌هایی که بر اساس این اندیشه که نجات انسان در گرو دستیابی به نوعی معرفت خاص و سری است، گنوسی گفته می‌شود. این مکاتب از حدود دو قرن پیش از میلاد تا قرن دوم میلادی در منطقه‌ی شامات به ویژه اسکندریه‌ی مصر فعال بودند و به شدت بر آموزه‌های دین مسیحی و یهودی تاثیر گذاشتند. بعد از ظهور دین مسیحیت، این فرقه‌ها بیشتر به این دین مربوط شدند و رنگ مسیحی به خود گرفتند و بن‌مایه‌ی عقاید ایشان به طرق مختلف به دین‌های مانوی و مندائی راه یافت. بعد از اسلام هم برخی آثار ایشان توسط مسلمانان ترجمه شد و بخش‌هایی از آن که مطابق آراء مسلمانان بود، وارد تفسیرها و نظرات ایشان شد.

تعدد مکاتب گنوسی و اختلاف در اعتقادات و اعمالی که انجام می‌دادند، ارائه‌ی تعریفی دقیق از اعتقادات آنان را مشکل می‌سازد. اما با رجوع به متون نجع حمادی و دیگر متون اصیل آنان، می‌توان اصول اعتقادی آنها را به طور کلی برشمرد.

مبانی نظری‌ای که تقریباً تمام فرقه‌های گنوسی بدان معتقد هستند، به شرح زیر است:
نخست نگاهشان به موضوع "معرفت"؛ تمام فرقه‌ها بر لزوم رسیدن به معرفت تاکید دارند و هدف سالک را رسیدن به آن می‌دانند. در تعریف ایشان، معرفت یعنی شناخت خدا و توانایی نجات روح به عنوان عنصری متعالی از این جهان مادی. فرد گنوسی در پی آن است که به گنوس (معرفت) برسد و تنها بدین طریق است که رستگار می‌شود.

دیگر عقیده‌شان نسبت به آفریدگار جهان: ایشان معتقد هستند خدایی متعالی و دست‌نیافتنی وجود دارد که هیچ ارتباطی با این جهان پست مادی ندارد و آفریننده‌ی آن نیست. در مقابل خدای متعالی، خدایی جبار و فرودست وجود دارد که خالق این جهان مادی است و ساز و کار جهان به او منسوب است. به عقیده ایشان در آغاز فقط ایزد برتر بود، ایزدی که جاودانه در آسودگی کنار اصل مادینه، انوثیا(تفکر) به سر می‌برد، تا اینکه از اتحاد آن دو، دو کهن‌نمونه‌ی اندیشه (مذکر) و حقیقت(مونث)

تجلی یافت یا پدیدار گشت. از میان تمام موجودات ایزدی تنها اندیشه، عظمت پدر را می‌دانست و درک می‌کرد و می‌توانست او را ببیند. اما سوفیا(خرد) بدو رشک برد و در اندوه این عشق و بدون آگاهی یا رضایت همتای مذکرش، ایزد شر را تجلی بخشید. دمیوژر(اهریمن) همان آفریننده‌ی جهان مادی است. این اسطوره‌ی آفرینش و اعتقاد به دو خدا، در مکاتب دیگر گنوسی از جمله مانوی و مندایی به صورت‌های گوناگون اما با همین اصول، روایت شده است.

اسطوره‌ی آفرینش ایشان که بر اساس اعتقاد به دو خدا پایه‌ریزی شده، سبب به وجود آمدن اندیشه‌ای ثنوی در تمام ابعاد این کیش‌ها شده است که در نمادپردازی نور و ظلمت متجلی می‌شود. قلمرو ایزدی، قلمروی نور است و اهریمن و به دنبالش جهانی که آفریده، قلمروی ظلمت. پس از نظر ایشان جهان مادی که انسان‌ها در آن به سر می‌برند، چون سیاهچالی تاریک است که شر و جهل در آن محبوس‌اند و هدف آدمی باید رهایی از این زندان تاریک و رسیدن به گنوس باشد.

در اعتقادات گنوسی‌ها انسان جایگاه برجسته‌ای دارد. سرشت آدمی دوگانه و شامل جزئی مادی و فانی و جزئی روحانی است. در واقع پاره‌ای روح الهی در وجود انسان به ودیعه نهاده شده که مانند بارقه‌ای در تن ظلمانی، محبوس است.

انسان خود از وجود این بارقه ناآگاه است و همین موضوع یکی از مضامین اصلی تفکر گنوسی است. انسان در جهل است و دیوان همیشه در تلاش‌اند که او را در این غفلت و ناآگاهی نگه دارند. وقتی که این بارقه به واسطه‌ی مرگ از زندان تن آزاد می‌شود، برای محسور شدن با اصل الهی خود، سفری را گرد سپهرهایی که دیوان همواره در آنها هستند و مانع رسیدن به اصل نورانی می‌شوند، آغاز می‌کند. اگر انسان در این دنیا برای این سفر کوشیده باشد، این راه هموار است، وگرنه دیوان دوباره او را به جهان مادی بازمی‌گردانند.

در باب جنبه‌های عملی این فرقه‌ها، به طور کلی می‌توان گفت که گنوسی‌ها راه رسیدن به گنوس یا معرفت را که سبب پیوستن بارقه‌ی الهی به اصل خود می‌شود، نوعی اعمال سری و تا حدی کشف و شهود شخصی می‌دانند. ریاضت سبب می‌شود که انسان به مراتبی برسد و ذره ذره راه آزادکردن جزء الهی و نورانی خود را هموار کند. در اکثر موارد این راه با ارشاد و راهنمایی شخصی صورت می‌پذیرد که وظیفه‌اش آگاه ساختن سالک گنوسی نسبت به غفلتش و سپس راهنمایی او در شیوه‌های عملی است تا به این وسیله فرد را به سر منزل مقصود برساند.

مواردی که در بالا ذکر شد، یک نمای کلی از اعتقادات گنوسی‌ها بود که زمینه‌ای برای این پرسش شد که کدام یک از آنها با مضامین پرتکرار در آثار عرفای اسلامی شباهت دارند. به عنوان مثال در آثار

عرفای اسلامی همواره دنیای مادی و دلبستگی به آن نکوهش شده است که در یک نظر کلی شبیه به آنچه که گنوسی‌ها بدان اعتقاد دارند است، اما آیا دقیقاً یک نظر دارند یا در اصل اندیشه متفاوت هستند؟ برای اینکه بتوان جزئی‌تر و با بررسی موارد و شواهد متعدد این مضامین را بررسی و طبقه‌بندی کرد، کتاب مصیبت‌نامه‌ی عطار انتخاب شده است تا بن‌مایه‌های گنوسی مشخص شده با مواردی که عطار بیان کرده است، به صورت تطبیقی بررسی شود. دلیل انتخاب این کتاب چنانچه پس از این نیز آورده خواهد شد، این است که این کتاب در واقع آخرین مرحله سلوک عارف را نشان می‌دهد که در پایان آن یک دوره سلوک کامل، انجام می‌یابد. پیش از این کتاب، شاعر در الهی‌نامه و منطق‌الطیر سفر سالک را آغاز کرده و مراحل شریعت و طریقت را پشت سر گذاشته است. در این منظومه سالک فکرت که به دنبال حل مشکل معرفتی خویش است، نهایتاً به شناخت جان نائل می‌شود و از این نظر، سلوک او و پاسخی که می‌گیرید، مشابه سلوک عارفان گنوسی است.

به گفته‌ی مصحح کتاب، این اثر پس از منطق‌الطیر، برجسته‌ترین اثر عطار است.

«عطار در این اثر، سوکنامه تبار انسان و اضطراب‌های بیکران و جاودانه‌ی آدمی و مشکلات ازلی و ابدی بشر را سروده است و این که در عرصه‌ی معرفت‌شناسی الاهیات، همه کاینات سرگشته‌اند و گرفتار مصیبت.» (عطار، ۱۳۹۱؛ ۳۰)

«سالک فکرت، یعنی قهرمان اصلی این منظومه برای حل مشکل معرفتی خویش به تمام کاینات از جماد و نبات و حیوان، تا عناصر اربعه، تا بهشت و دوزخ، تا فرشتگان مقرب و عرش و کرسی، تا انبیای الواعزم، به همه، رجوع می‌کند و از همه در حل مشکل خویش یاری می‌طلبد و همه در این راه اظهار عجز می‌کنند... سرانجام در می‌یابد که همه‌ی جستجوهای او بیهوده بوده است و آنچه او در طلب آن عمر و نیروی خویش را هدر داده است، جز در درون او و در ذات او نبوده است.» (همان؛ ۳۵) و وقتی از جان خویش می‌پرسد که دلیل این همه گشتن چه بوده است، جان در پاسخ می‌گوید: تا قدر مرا بدانی.

پورنامداریان درباره‌ی مصیبت‌نامه گفته «مصیبت‌نامه مرحله سوم سیر و سلوک روحانی عطار و اوج سلوک روحانی وی را تصویر می‌کند. اگر الهی‌نامه به مرحله شریعت و منطق‌الطیر به مرحله طریقت مربوط باشد، مصیبت‌نامه به مرحله حقیقت مربوط است... بن‌مایه‌ی کتاب مصیبت‌نامه و داستان جامع آن نیز همین است. جستجوی حق در طی چهل مقام که سیر آفاق و انفس است و سرانجام به یافتن خویش و دیدار با خویش می‌انجامد.» (پورنامداریان، ۱۳۹۶؛ ۱۱۶)

چنانچه از کلیت کتاب برمی آید، موضوع این منظومه معرفت است و اینکه نهایتا سالک به ارزش جان خویش که در واقع اصل است، پی ببرد. طبق توضیحات پیشین در باب عقاید گنوسی، متوجه می شویم که در ابتدا موضوع اصلی کتاب و نتیجه ای که از آن حاصل می شود، با اصلی ترین عقیده ی گنوسیان که همانا رسیدن به معرفت و رهانیدن جان است، مشابهت دارد.

سالک فکرت نخست با سوال یا دغدغه ای درونی مواجه می شود و در ابیات آغازین کتاب آشوب و سرگشتگی سالک فکرت نمایان است. وی برای پاسخ به این سوال، باید مراحل را طی کند و اعمالی را طی چهل مقاله (که نشان دهنده ی یک دوره سلوک عرفانی است) به انجام برساند. به طور کلی سالک فکرت در این کتاب راه و مسیری را می رود که در یک نگاه شبیه به راهی است که یک گنوسی برای آزاد کردن روح و رسیدن به گنوس، می پیماید.

در این تحقیق، نخست طرح کلی کتاب و موضوعات مورد بررسی عطار در هر مقاله استخراج و بیان خواهد شد، سپس این موارد با عقاید گنوسی ها که همگی از متون اصلی آنها استخراج می شود، تطبیق داده و طبقه بندی خواهد شد. ضمنا ذیل هر کدام از عناوین مورد بحث، نمادها، تمثیلات و ... که شاعر به وسیله ی آن عقیده ی خودش را توضیح داده، بررسی خواهند شد.

۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

با یک بررسی کلی بین عقاید عارفان مسلمان و گنوسی، وجوه اشتراک و شباهت های آنها استخراج شود و پس از این در مصیبت نامه ی عطار که یک منظومه عرفانی است، بن مایه های گنوسی تحلیل شود. با داشتن یک مطالعه ی تطبیقی و شکل گیری یک فرضیه و پس زمینه ی ذهنی، درک بهتری از متن مورد مطالعه و پس از آن دیگر متون عرفانی به دست خواهد آمد.

۱-۳- اهداف پژوهش

۱. بررسی شباهت میان بن مایه های گنوسی و بن مایه های عرفانی مصیبت نامه عطار و استخراج بن مایه های گنوسی پر کاربرد در متن مذکور و طبقه بندی آنها
۲. نشان دادن نحوه تجلی این بن مایه ها در مصیبت نامه عطار

۱-۴- قلمروی پژوهش

الف) قلمرو مکانی: حوزه فرهنگی ایران

ب) قلمرو زمانی: قرن هفتم هجری

ج) قلمرو موضوعی: عرفان

۱-۵- فرضیه‌های پژوهش

۱. مضامین مورد استفاده‌ی عطار در مصیبت‌نامه با بعضی مضامین گنوسی شبیه و قابل تطبیق هستند.
۲. نحوه کاربرد مضامین عرفانی مصیبت‌نامه و مضامین گنوسی (نمادها، استعاره‌ها و حکایات و ...) در بعضی موارد مشابه است.

۱-۶- پیشینه پژوهش

نخستین تحقیقاتی که ضمن آنها به برخی شباهت‌ها و تفاوت‌های عرفان اسلامی و عرفان گنوسی اشاره شده، تحقیقاتی است که برای روشنگری در باب ریشه‌های تصوف و عرفان اسلامی انجام شده است. عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب‌های خود؛ *ارزش میراث صوفیه* (۱۳۴۴)، *جستجو در تصوف ایران* (۱۳۵۷) و *تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن* (۱۳۸۳) اشارات کوتاه اما مهمی به این موضوع کرده است و گفته که عرفان گنوسی نوعی معرف سری و شهودی است که در کتب فرقه‌های مختلف تصوف نظیر آن را سراغ داریم و حکمت اشراقی مسلمین و شاید طریقه‌ی اهل حق نیز در بعضی موارد مدیون همین عرفان است. (زرین‌کوب، ۱۳۵۳؛ ۲۲) وی در کتاب *تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن*، پس از توضیح این نکته که تجربه‌ی عرفانی ارتباط شخصی فرد با خداوند است، لذا محدود به هیچ قوم و مذهبی نمی‌شود، با بررسی و توضیح مضامین مشترک کیش‌های مختلف عرفانی با عرفان اسلامی، درباره‌ی شباهت‌ها و اختلافاتشان توضیح داده‌اند. به همین صورت درباره‌ی کیش‌های گنوسی و وجوه شباهتشان با مضامین عرفان اسلامی بحث کرده‌اند. به عنوان مثال درباره‌ی عقیده‌ی باطن‌گرایی صوفیان آورده‌اند: «این باطن‌گرایی که چندی بعد به صورت این عقیده‌ی عجیب و غریب بعضی صوفیان درآمد که قانون شریعت فقط برای عوام‌الناس است و لذا صوفیان نخبه از این نظر جای مقداری تامل‌اند. این عقیده‌ی صوفیانه نیز مقداری صبغه اسماعیلی داشت و به نظر بعضی‌ها هم نشان‌دهنده‌ی پاره‌ای گرایش‌های مانوی بود.» (زرین‌کوب، ۱۳۸۳؛ ۷۷) البته در هر سه کتاب به تصریح بیان شده است که پیدا کردن منشاء واحد برای تصوف ایرانی کاری عبث است و فقط به توضیح شباهت‌های میان عرفان اسلامی-ایرانی با دیگر مکاتب عرفانی بسنده می‌کنند.

پس از آن در بحث مفصلی که سعید نفیسی در کتاب *سرچشمه‌ی تصوف در ایران* (۱۳۴۶) کرده، ضمن اینکه ریشه‌های بودایی را در تصوف ایرانی قوی‌تر می‌داند، اشاره کرده است که بعضی آیین‌ها و مناسک مانوی وارد تصوف اسلامی شده است. وی می‌گوید که تعالیم یهود و نصاری و یونانیان نخست

وارد آیین مانی شد و سپس از آنجا به تصوف ایرانی راه پیدا کرد. در این کتاب درباره‌ی مهم‌ترین تعلیم مانی که بن مایه‌ی نور و ظلمت است، توضیح داده شده و گفته شده است که متصوفه‌ی ایرانی نیز به نور ابیض و نور اسود معتقد بوده‌اند. همچنین درباره‌ی مراحل سیر و سلوک در تصوف ایران می‌گوید: «مراحل سیر و سلوک در تصوف ایران که در همه‌ی فرق تصوف ما هست و در بسیاری از آنها هفت درجه دارد و این اصول عیناً در طریقه‌ی مانی و با اندک اختلافی در طریقه‌ی بودایی هست.» (نفیسی، ۱۳۹۴؛ ۳۵) اما در این کتاب به شرح جزئیات این شباهت‌ها و تفاوت‌ها پرداخته نشده است و نمونه‌های متون بررسی نشده.

کتاب‌هایی که مشخصاً با موضوع عرفان گنوسی و آیین مانی نوشته شده است، با وجود اینکه مستقلاً راجع به این موضوع صحبت نکرده‌اند، راه را برای شناخت و تطبیق ذهنی این مکتب عرفانی با عرفان ایرانی-اسلامی باز می‌کنند.

سید حسن تقی‌زاده در تحقیقات خود درباره‌ی دین مانی که در *مانی‌شناسی* (۱۳۸۳) گردآوردی شده است، در باب شباهت بین کیش مانی و تصوف سخن گفته است. به عنوان نمونه: «این نکته نباید ناگفته بماند که بسیاری از تعالیم صوفیه شباهت به آداب مانویان دارد و بعید نیست که یکی از ریشه‌های تصوف، طریقه‌های گنوستیک و از آن جمله مانوی بوده است و نیز تورآندره سوئدی که در سنه ۱۹۱۷ مسیحی در باب اسلام و پیغمبر اسلام در استوکهولم نشر کرده و جوه شباهتی بین بعضی از تعالیم اسلامی و مانوی درج کرده است و اگر اقوال مورخین عرب مانند ابن‌قتیبه در کتاب المعارف و نشوان حمیری در کتاب حورالعین مبنی بر اینکه زندگه در بین قریش رایج بود اساس داشته باشد این مطلب موید قول مولف مزبور می‌شود.» (تقی‌زاده، ۱۳۸۳؛ ۳۳۵)

خانم امید بهبهانی در کتاب خود تحت عنوان *در شناخت آیین مانی* (۱۳۸۴) یکی از غزل‌های حافظ را با معیار بن مایه‌های گنوسی بررسی کرده‌اند که اگرچه کاملاً شرح و بسط نداده‌اند، اما حائز اهمیت است. (بهبهانی؛ ۱۳۸۴، ۱۳۰)

همچنین در دو کتاب *ادبیات مانوی* (۱۳۹۴) نوشته‌ی مهرداد بهار و *ابوالقاسم اسماعیل‌پور و ادبیات گنوسی* (۱۳۸۸) نوشته‌ی استوارت هالروید به ترجمه‌ی ابوالقاسم اسماعیل‌پور، درباره‌ی این موضوع با وضوح بیشتری بحث شده است. در کتاب ادبیات مانوی بخشی تحت عنوان "اشاره‌ای به عرفان پیش از اسلام و ربط آن با عرفان عصر اسلامی" آمده است که در آن مهرداد بهار ضمن آوردن دیباچه‌ی مثنوی معنوی، توضیح می‌دهد که اصول فکری عارفان عصر اسلامی علاوه بر نزدیکی با تفکر گنوسی،

پیوندهای عمیقی نیز با ایشان دارد. «با بررسی تطبیقی مکتب‌های گنوسی و آثار عرفانی عصر اسلامی می‌توان باور کرد که اصول فکری عارفان عصر اسلامی نه تنها از تفکر گنوسی قبل از اسلام دور نیست، بلکه ارتباط‌های فکری عمیقی میان این دو بخش تاریخ عرفان در آسیای غربی موجود است.» (بهار و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۴؛ ۲۰۱)

در مقدمه‌ی کتاب ادبیات گنوسی هم اشارات قابل توجهی از مترجم اثر آمده است. وی پس از نام بردن آثار گنوستیکی که در عصر اسلامی تالیف شده‌اند، به توضیح پیوند میان این مکتب با مذهب اسماعیلیه می‌پردازد و پس از آن از عرفای گنوستیکی نام می‌برد که در عصر اسلامی می‌زیستند و ناچار به پنهان کردن عقاید خود بودند. وی بیان می‌کند که جهان اسلام نیز مانند مسیحیت تحت تاثیر عرفان گنوسی قرار گرفت و شمار زیاد نویسندگان، شاعران و افراد برجسته‌ی مانوی در عصر اسلامی، مانند ابن مقفع و ابن راوندی و غیره، گواه بر این ادعاست. (هالروید، ۱۳۹۵؛ ۴۲)

کتاب *اسطوره آفرینش در کیش مانوی* (۱۳۹۶) نوشته‌ی ابوالقاسم اسماعیل‌پور در فصل "گفتاری در عرفان مانوی و تاثیر آن بر فرهنگ، هنر و ادبیات ایرانی"، بحث مفصلی درباره‌ی این تاثیرگذاری دارد. نویسنده در این فصل پس از بررسی هرکدام از کیش‌هایی که گرایش‌های گنوسی دارند، در ادامه‌ی بحث عرفان مانوی نوشته‌اند: «نفی حیات زمینی و خوارداشت تن و مادیات در نگرش عرفانی مانوی با درون‌مایه‌های زهد، پرهیزگاری و دوری از نفس و نفسانیات در نگرش اسلامی - به ویژه در بعد تصوفی- عرفانی - اشتراکات بسیار دارد. این نگرش - برخلاف نظر آن دسته که مانویت را دارای اندیشه‌ای بدبینانه تصور کرده‌اند - چندان بدبینانه نیست، بلکه به گمان مانویان، طرد دنیا و پستی‌های دنیوی به منزله‌ی آرزوی دستیابی به دنیایی ژرف‌تر و زیباتر است و در کنه خود نگرشی خوش‌بینانه است.» (اسماعیل‌پور، ۱۳۹۶ الف؛ ۱۵۷ و ۱۵۶)

ابوالقاسم اسماعیل‌پور دو درس گفتار مهم درباره‌ی این موضوع داشته که از لحاظ ارتباط با موضوع این تحقیق، بسیار قابل توجه است. نخست "فرهنگ ایران باستان در آثار عطار" (۱۳۹۰) و دیگر "نشست پیرامون کتاب ادبیات گنوسی" (۱۳۸۸). درس گفتار اول که طی دو جلسه انجام شد به بررسی آراء گنوسی و هرمسی در آثار عطار (منطق‌الطیر، مصیبت‌نامه و الهی‌نامه) می‌پردازد و با ذکر نمونه‌هایی جنبه‌های شباهت و تاثیرپذیری را بررسی و اشاره می‌کند که این تاثیرپذیری در چه سیری اتفاق افتاده است. در درس گفتار پیرامون کتاب ادبیات گنوسی، وی داستان شیخ صنعان عطار را با توجه به بن‌مایه‌های گنوسی تفسیر می‌کند. در هر دو نشست موارد مهم و قابل توجهی که راه‌گشای این تحقیق است بررسی شده، اما به طور کامل تمامی نمونه‌ها و جنبه‌ها ذکر نشده است.

پس از اینها باید به مقالاتی اشاره کنیم که به طور موردی به تطبیق بن مایه‌های گنوسی با متون ادبیات عرفانی پرداخته‌اند.

نخستین و مهم‌ترین مقاله، "بررسی تطبیقی دیباچه‌ی مثنوی معنوی و اشعار گنوسی" (۱۳۷۷) از ابوالقاسم اسماعیل‌پور است. وی در این مقاله توضیح می‌دهد که مضمون هبوط یا اسارت روح در تخته‌بند تن از مضامین تازه و نوظهور عرفان اسلامی نیست و پیشینه‌ای دیرینه دارد. در واقع این مضمون را پیش از این گنوسیان مطرح کرده‌اند که به نوعی جوهر مکاتب گنوسی محسوب می‌شود. همچنین ایشان در مقاله‌ی بازتاب فرهنگی کیش مانوی (۱۳۸۱) به توضیح عقاید مانویان و تاثیر آن بر فرهنگ اسلامی و عارفان مسلمان پرداخته‌اند. در این مقاله به تفصیل درباره‌ی کتب نوشته شده در قرون نخست اسلامی که رنگ و بوی گنوسی دارند بحث شده است و هرکدام به تفکیک بررسی شده‌اند. (اسماعیل‌پور؛ ۱۳۸۱)

پس از آن باید از دو مقاله‌ی مریم حسینی تحت عنوان "مروارید جان در صدف تن، سمبلی گنوسی در شعر فارسی" (۱۳۸۷) و "اسطوره‌ی یاد و فراموشی در داستان‌های رمزی و تمثیلی ایرانی" (۱۳۹۲) نام برد. در هر دوی این مقالات همان‌طور که از عنوانشان پیداست، وی به تطبیق دو بن مایه‌ی مهم گنوسی در آثار کلاسیک فارسی می‌پردازد. نگارنده با ذکر نمونه‌هایی بیان می‌کند که مولانا، عطار و حافظ که بیشترین استفاده از تمثیل مروارید را داشته‌اند، همواره برای نشان‌دادن اسارت روح در بدن از این تمثیل استفاده کرده‌اند. در مقاله‌ی دوم هم اسطوره‌ی یاد و فراموشی که یکی از اسطوره‌های مشهور گنوسی است، در برخی آثار ابن سینا، مولانا و سهروردی بررسی شده است که در توضیح غفلت سالک در همین تحقیق، از آن استفاده شده است.

نوری سادات شاهنگیان در مقاله‌ی "داستان روح در مثنوی و متون گنوسی" (۱۳۸۶) مجدداً به بررسی شباهت دیدگاه مولانا با دیدگاه گنوسیان پرداخته است و نشان داده که همانند گنوسیان، مولانا هم روح را اسیر در این عالم می‌داند که همواره انسان باید در پی نجات این روح باشد و این مهم جز از طریق معرفت حاصل نمی‌شود.

همچنین فرشته جعفری در مقالات "بررسی اندیشه عطار در باب معرفت و تطبیق آن با آراء گنوسی" (۱۳۹۳)، "آئین گنوسی و تاثیرات آن بر عقاید عارفان مسلمان" (۱۳۹۵)، "بررسی تطبیقی معرفت در عرفان اسلامی و عرفان گنوسی" (۱۳۹۳) و "انسان کامل در عرفان اسلامی و مقایسه آن با هرمزدبغ در آئین مانوی" (۱۳۹۳) به بررسی موردی برخی مضامین مشترک میان عرفان اسلامی و مکاتب گنوسی پرداخته است.

پورنامداریان هم در مقاله‌ی عطار و عقاید گنوسی (۱۳۹۴) به بررسی موضوع دیدار با من روحانی شخص در عقاید گنوسی و آثار عطار پرداخته‌اند.

در پایان باید از سه پایان‌نامه نام ببریم که شبیه به موضوع این پژوهش هستند. نخست "نور و ظلمت از دیدگاه گنوسی و مقایسه و تطبیق آن با مثنوی معنوی" (۱۳۹۱) از ریحانه آزادگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. در این پایان‌نامه همان‌طور که از عنوان آن پیداست، اصلی‌ترین مضمون گنوسی در مثنوی مولانا تحلیل و بررسی شده است.

دیگر "سیمای دنیا در متون عرفانی فارسی تا پایان سده ششم و بررسی سرچشمه‌های آن" (۱۳۹۲) از زینب فلاح‌زاده، دانشگاه سلمان فارسی کازرون. در بخش پایانی این تحقیق ریشه‌های دیدگاه‌های مختلف به دنیا بررسی شده است که یکی از آنها، عرفان گنوسی است.

و رساله دکتری "بررسی تطبیقی تصوف با آیین‌های قبلا و گنوسی" (۱۳۹۶) از حسین شهبازی، دانشگاه تبریز که در آن به روند تاریخی تاثیرپذیری تصوف اسلامی از آیین گنوسی در جریان نهضت ترجمه می‌پردازد.

۱-۷- روش انجام پژوهش و دلیل انتخاب این روش

روش انجام این پژوهش اسنادی- کتابخانه‌ای است، به این دلیل که موارد مطالعه‌ی آن متون هستند.

۱-۸- فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از فیش‌برداری از متن، به تجزیه و تحلیل تطبیقی داده‌ها با توجه به موارد از پیش تعیین شده، پرداخته شده است.

فصل دوم: تعاریف و کلیات تحقیق

در این بخش به تعریف مفاهیمی پرداخته خواهد شد که موضوع این تحقیق هستند. نخست پیرامون عطار و مصیبت‌نامه بحث خواهد شد، سپس به سفرهای خیالی و بررسی مصیبت‌نامه به عنوان یک سفرنامه‌ی خیالی پرداخته می‌شود و پس از آن مختصری درباره‌ی گنوسیسم توضیح داده خواهد شد.

۲-۱- عطار

در باب کودکی و تحصیلات او به طور دقیق اطلاعاتی در دست نیست و آنچه مسلم است، این است که نام کامل او فریدالدین ابوحامد محمدبن ابوبکر ابراهیم بن اسحق عطار کدکنی نیشابوری است و در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم می‌زیسته. ولادت او در سال ۵۳۷ در کدکن اتفاق افتاد و در سال ۶۱۸ در قتل عام نیشابور به دست یک مغول سپاهی به شهادت رسید. (رک صفا، ۱۳۴۷: ۸۵۸)

درباره‌ی تولد و مرگ عطار گفته‌اند: «گمان می‌رود که ولادت شیخ در حدود سال پانصد و چهل اتفاق افتاده و وفات او چنانکه خواهیم گفت، به سال ششصد و هجده و در قتل عام نیشابور بدست مغول واقع شده و او نزدیک به هشتاد سال و علی‌التحقیق هفتاد و اند سال زندگانی کرده است.» (فروزانفر، ۱۳۳۹؛ ۷)

شفیعی کدکنی که کار خطیر تصحیح و شرح آثار عطار را به انجام رسانیده، در مقدمه‌ی کتاب منطق‌الطیر، به تفصیل درباره‌ی عطار و زندگانی او صحبت کرده است.

درباره‌ی نام و تخلص عطار گفته است که عطار در آثارش به تصریح خود را هم‌نام رسول (ص) می‌خواند و در شعرهایش تخلص خویش را "عطار" یا "فرید" آورده. همچنین محمد عوفی که معاصر او بوده، در لباب‌الالباب او را «الأجل فریدالدین افتخار الأفاضل ابوحامد ابوبکر العطار النیشابوری... سالک جاده حقیقت و ساکن سجاده طریقت...» خوانده است. ایشان تولد عطار را به سال ۵۴۰ ق و وفات او را به احتمال قوی ۶۲۷ ق ذکر کرده‌اند (به استناد قول اکثریت تذکره‌نویسان و به ویژه قول

دولت‌شاه که سال وفات را به روز و ماه تعیین می‌کند و این خود دلیلی بر این است که وی در این مورد سندی خاص در اختیار داشته) (رک عطار، ۱۳۹۱؛ ۴۰-۳۰)

تمام محققان در نوشته‌هایشان بر این نکته تاکید کرده‌اند که زندگانی عطار در هاله‌ی افسانه‌ها و حکایاتی که زاییده‌ی ذهن نویسندگان است محاصره شده و اگر نظر به منابع تاریخی موثق بیندازیم، چیز چندانی درباره‌ی زندگانی او دستگیرمان نمی‌شود. درباره‌ی پیشه‌ی او نوشته‌اند که کار عطاری پدرش را ادامه می‌داده است و در داروخانه‌اش سرگرم طبابت بوده. (رک صفا، ۱۳۴۷؛ ۱۵۹)

نویسندگان بعدی افسانه‌ای را درباره‌ی انقلاب معنوی او نقل می‌کنند که ساختگی به نظر می‌آید، چرا که درباره‌ی بیشتر مشایخ چنین چیزهایی نقل شده است و مهم‌تر از همه اینکه آثار عطار گواه این است که او فرد آگاه و دانشمندی بوده و این علم و دانش با یک اتفاق حاصل نمی‌شود، بلکه به تدریج و طی سالیان اندوخته می‌گردد.

درباره‌ی مذهب او آنچه که امروزه می‌توان بدان استناد کرد، مواردی است که خود شاعر در آثارش بدان اشاره کرده است. چنانکه فروزانفر بیان می‌کند «ظواهر آثار عطار گواهی می‌دهد که او مذهب اهل سنت داشته است، اظهار عشق و علاقه‌ی آتشین به خلفای سه‌گانه و مدح و ستایش شافعی و ابوحنیفه در مثنوی خسرونامه و تکریم ائمه‌ی سنت در تذکره اولیا دلیل است ظاهر و غیرقابل انکار.» (فروزانفر، ۱۳۵۳؛ ۵۷) البته باید اضافه کنیم که در آثار عطار مدح امامان شیعه هم دیده می‌شود و اساساً در مرام صوفیان و عرفای بزرگ تعصب وجود ندارد و به نظر می‌رسد که آنان به همه احترام می‌گذاشتند و بهره‌ی خود را از هر یک می‌گرفتند.

اینکه عطار مرید چه کسی بوده است معلوم نیست و غالباً او را از صوفیان اویسی دانسته‌اند، اما جامی او را از مریدان شیخ مجدالدین بغدادی دانسته است. (رک صفا، ۱۳۴۷؛ ۸۶۰)

۲-۱-۱- زمانه‌ی عطار

پیش از هر بحثی درباره‌ی کتاب مصیبت‌نامه، لازم است که به زمانه‌ی مولف و بستر تالیف کتاب پرداخته شود. برای رسیدن به این منظور، باید شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زمانه‌ی شاعر و حتی اندکی پیش از آن را بررسی کنیم. دوره‌ای که عطار در آن می‌زیسته، دوره‌ای خاص از تاریخ ایران است که هم‌زمان که در آن رواج شعر و شاعری و به وجود آمدن آثار مهم را شاهد هستیم، با هرج و مرج و تعصبات دینی و مذهبی نیز مواجه‌ایم.

از آغاز ورود غلامان ترک به ایران در عصر سامانی تا زمان حمله‌ی مغول، دوره‌ی سلطه‌ی ترکان به نواحی مختلف ایران است. نخستین دسته از این غلامان در اواخر قرن چهارم به نام "غزنویان" وارد ایران شدند که به دنبال آن حکومت مقتدری تشکیل دادند و آخرین حکومت ترکان هم خوارزمشاهیان